

شورای عالی امنیت ملی و صدا و سیما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی

میلاد شریفی مقدم^۱، حجت اله ابراهیمیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

چکیده

امنیت ملی تجلی مشروعیت و قدرت سیاسی و دفاعی یک دولت-کشور است. در اصل بقا و دوام انسان‌ها بسته به زندگی اجتماعی مستلزم امنیت ملی است. در این مورد امنیت ملی به مفهوم امنیت تمام افراد حاضر در یک کشور به‌طور یکسان است. با نگاهی گذرا در زندگی بشر، پیدایش حکومت‌ها را می‌توان معلول نیاز به امنیت دانست. امنیت ملی از اهداف کلان و از اصلی‌ترین کارکردهای حکومت است. نظر به اینکه مسائل دفاعی و امنیتی مقدم بر سایر امور حاکمیتی می‌باشند، تدبیر و سیاست‌گذاری در این مباحث مستلزم نهاد مستقل و تخصصی است که ضمن تأمین امنیت ملی، به تشخیص تهدیدها و آسیب‌های امنیتی کشور بپردازد و برای رفع آن اهتمام ورزد. در نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی شورای عالی امنیت ملی بدین جهت شکل گرفت.

سازمان صداوسیما در جمهوری اسلامی ایران از موقعیت ویژه‌ای در عرصه عمومی برخوردار است و بر اساس اصل ۱۷۵ قانون اساسی باید در آن «آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور» تأمین گردد. در این پژوهش دو نهاد فوق در قانون اساسی و قوانین عادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به جایگاه آن‌ها در قوانین موضوعه پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، صداوسیما، امنیت ملی، قوانین عادی

^۱ نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قاضی دادگستری-نشانی الکترونیک: miladsharifi750@yahoo.com
^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مقدمه

از مهم‌ترین راهبردهای تأمین امنیت ملی، ایجاد نهادهای فرا قوه‌ای باصلاحیت اتخاذ تصمیمات الزام‌آور در خصوص مسائل کلان دفاعی و امنیت کشور است. در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی امنیت ملی عهده‌دار ایفای این نقش است و بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، تصمیمات آن پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجرا است. با توجه به ابهامات جایگاه حقوقی شورای عالی امنیت ملی در این پژوهش سعی داریم با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی به بررسی جایگاه این نهاد در قانون اساسی و قوانین موضوعه بپردازیم.

برخورداری از امنیت از ضروری‌ترین نیازهای انسان است و از همین رو حکومت‌ها از دیرباز به تنظیم و اتخاذ راهبردهای متنوعی در جهت تأمین این نیاز بنیادین شهروندان خود مبادرت کرده‌اند و در کشور ما نیز یکی از نهادهایی که در نتیجه اصلاحات سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی ایران وارد شد، نهاد شورای عالی امنیت ملی بود که بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی تأسیس گردید. از آنجاکه موضوع امنیت ملی و دفاع از تمامیت کشور در مقابل بیگانگان از دغدغه‌های مهم و ارزشمند هر کشوری است در قوانین اساسی کشورهای گوناگون به شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی برای آن چاره‌اندیشی شده است، قانون اساسی کشور ما با تأسیس نهادی به نام شورای عالی امنیت ملی درصدد مدیریت این دغدغه برآمده است؛ بنابراین مسئله شورای عالی امنیت ملی با ارزشی به نام حفظ امنیت ملی کشور پیوندی تنگاتنگ باهم پیدا کرده است. همین موضوع منجر شده است بررسی جایگاه این نهاد از اهمیت بسیاری برخوردار شود.

اصل ۱۷۵ قانون اساسی به‌عنوان قانون حاکم بر اداره صداوسیما به‌عنوان سازمانی مستقل در کنار دیگر قوای حکومتی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که عملاً به تعبیر برخی این سازمان را تا سطح یک قوه در کنار دیگر قوا ارتقا داده است، بنابراین ضرورت تبیین و تعیین قلمرو این اصل و قوانین مرتبط آن با در نظر گرفتن واقعیت‌های علی ناشی از حوزه و گستره عملکرد سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران امری ضروری است.

در این پژوهش سعی می‌شود علاوه بر شورای عالی امنیت ملی به تبیین درون‌مایه اصل ۱۷۵ قانون اساسی و قوانین مرتبط با نهاد سازمان صداوسیما نیز بپردازد.

۱- شورای عالی امنیت ملی در قانون اساسی

بر اساس قسمت اخیر اصل ۱۷۶ قانون اساسی «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست» این تنها تصریحی است که در قانون اساسی و حتی در کلیت نظام حقوقی ایران در خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی شده است. در ادامه این نوشتار با تکیه بر مؤلفه‌ها و ابزارهایی چون مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی و نظریات شورای نگهبان خواهیم کوشید تا دیدگاهی در خصوص این موضوع ارائه دهیم.

الف) مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی

در جریان بازنگری قانون اساسی، جایگاه قانونی شورای عالی امنیت ملی به‌طور رسمی در قانون اساسی پیش‌بینی و درعین حال این حکم نیز در خصوص مصوبات آن مقرر شد که «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجراست». باوجوداین، در جریان تدوین اصل ۱۷۶ قانون اساسی و رسمیت یافتن قانونی شورای عالی امنیت ملی، در خصوص ماهیت حقوقی مصوبات این شورا مباحث چندانی مطرح نشده و اغلب بحث‌ها در خصوص شورای عالی امنیت ملی به حضور داشتن یا نداشتن برخی از مقامات در این شورا معطوف بوده است (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۴۸۷-۱۴۷۹، ۱۳۶۹)

تنها بحثی که در خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی در شورای بازنگری قانون اساسی مطرح شده است، ادعای وجود تعارض میان «لزوم تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی توسط رهبری» و «تعیین حدود وظایف و اختیارات این شورا توسط قانون

عادی» است که بنا به پیشنهاد اولیه کمیسیون مربوطه، مسئله اخیر در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار داشت. همچنین بنا به نظر مدعیان وجود این تعارض ممکن بود مجلس با مسئله لزوم تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی از سوی رهبری موافق نباشد که البته این امر با توجه به تعیین حدود وظایف شورای عالی امنیت ملی از طریق اصل ۱۷۶ قانون اساسی و حذف شرط تعیین حدود وظایف و اختیارات شورا از طریق قانون عادی برطرف شد (ورعی، ۱۳۸۲، ۱۰۱۱).

با این حال به نظر می‌رسد که همین تجدیدنظر اعضای شورای بازنگری قانون اساسی در شرط مزبور به طور ضمنی دلالت بر جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی از نظر آن‌ها دارد، زیرا بر اساس آن، این واقعیت آشکار می‌شود که مطابق نظر اعضای شورای بازنگری، مجلس شورای اسلامی در خصوص برخی مسائل مربوط به شورای عالی امنیت ملی و از جمله تعیین وظایف و اختیارات شوراهای فرعی آن حق قانون‌گذاری دارد، اما نمی‌تواند در خصوص شئون مختلف مربوط به مصوبات شورای عالی امنیت ملی و از جمله فرایند لازم‌الاجرا شدن آن قانون‌گذاری کند. همین امر بیانگر جایگاه خاص این مصوبات و ناممکن بودن اثرگذاری حقوقی در این جایگاه از طریق وضع قوانین عادی در مجلس شورای اسلامی است.

ب) نظریات شورای نگهبان

در میان نظریات شورای نگهبان مواردی را می‌توان یافت که از مضمون و محتوای آن‌ها دیدگاه این شورا را در خصوص جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی استنباط کرد. در این بخش به دو مورد از این نظریات اشاره می‌کنیم.

۱. در ۱۳۸۹/۹/۱۷ لایحه برنامه پنجم پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در مواد ۱۲۴ تا ۱۲۶ این لایحه به تعیین تکالیف دولت در خصوص گسترش انرژی‌های پاک پرداخته شد. شورای نگهبان در نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ در ۱۳۸۹/۱۰/۶ در خصوص این مواد اظهار نظر و اعلام کرده است که

«با توجه به اینکه شورای عالی امنیت ملی در مورد مباحث مربوط به انرژی هسته‌ای مصوباتی دارد» باید با ملحوظ داشتن مصوبات بالا این لایحه در خصوص انرژی‌های پاک و از جمله انرژی هسته‌ای تصویب شود.

مجلس شورای اسلامی نیز در جریان اصلاح این ایراد در ۸۹/۱۰/۱۵ تبصره‌ای را به ماده ۱۲۶ این مصوبه افزود که بر اساس آن «اقداماتی که در اجرای این ماده و مواد ۱۲۴ و ۱۲۵ به عمل می‌آید، نباید مغایر با مصوبات شورای عالی امنیت ملی باشد» و در متن نهایی مصوب این قانون نیز که پس از ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام به اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در خصوص موادی از این لایحه تصویب شد، این عبارت در تبصره ماده ۱۳۷ به این شرح وارد شد «اقداماتی که در اجرای ماده و مواد ۱۳۵ و ۱۳۶ به عمل می‌آید، نباید مغایر با مصوبات شورای عالی امنیت ملی باشد».

آنچه از این تبصره و حکم مقرر، در خصوص آن که مورد توافق مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته است، استنباط می‌شود بالاتر بودن جایگاه مصوبات شورای عالی امنیت ملی نسبت به قوانین عادی از منظر نهادهای سه‌گانه یادشده است، زیرا بر اساس مفهوم و منطبق تبصره ماده ۱۳۷ عمل به مفاد مواد ۱۳۵ و ۱۳۶ که محتوای آن‌ها قانون عادی است، باید با ملاحظه ضوابط مقرر از سوی شورای عالی امنیت ملی صورت گیرد و در حقیقت از این حکم می‌توان به گونه‌ای ماهیت بالادستی مصوبات شورای عالی امنیت ملی را استنباط کرد. این در حالی است بر اساس اصول ۷۱ و ۷۲ قانون اساسی موازین شرع و اصول قانون اساسی تنها تقییدات صلاحیت عام مجلس برای قانون‌گذاری‌اند و با تعیین مصوبات شورای عالی امنیت ملی به منزله یکی دیگر از قیود قانون‌گذاری (البته تنها در موضوع این مواد) می‌توان این استنباط را داشت که از نظر شورای نگهبان این مصوبات در مرتبه‌ای فراتر از قانون عادی مصوب مجلس شورای اسلامی قرار دارند. حکمی که با توجه به تعیین ضوابط و چارچوب‌های قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی تا حد زیادی می‌تواند مورد انتقاد باشد.

۲. مجلس شورای اسلامی در ۱۳۹۴/۲/۱ به تصویب «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مبادرت کرد. بر اساس ماده ۵۸ این قانون «تا رفع کامل تحریم‌ها علیه ملت ایران مصوبات ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم که دارای آثار اقتصادی، تجاری، مالی و مرتبط با سرمایه‌گذاری، تولید، صادرات و واردات است باید تا ۴۸ ساعت پس از تصویب برای کلیه اعضای ثابت شورای عالی امنیت ملی ارسال شود. چنانچه هر یک از اعضای مذکور تا ۱۰ روز کاری ایرادی نگیرند، مصوبه ستاد قابل اجراست و در صورت وصول ایراد طی مدت مذکور، ستاد تدابیر ویژه موظف به رفع آن است. در غیر این صورت مصوبه ستاد باید به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد. مصوبات ستاد نباید خلاف قوانین موضوع کشور باشد»

شورای نگهبان در خصوص ماده ذکرشده اظهارنظر و اعلام کرد که «در ماده الحاقی ۲۵، نظر به اینکه ستاد مذکور طبق مصوبه لازم‌الاجرای شورای عالی امنیت ملی تشکیل و وظیفه و نحوه اقدامات آن را شورای مرقوم تعیین نموده است، لذا بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، اقدامات و تصمیمات ستاد باید زیر نظر شورای مذکور انجام پذیرد». این ایراد شورا مستند به گزارش مجمع حقوقی شورای نگهبان در خصوص بالاست که در قسمتی از آن با اشاره به ابهام در خصوص وابستگی ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم به خود شورای عالی امنیت ملی یا شوراهای فرعی آن آمده است «در صورتی که ستاد مزبور در واقع شورای فرعی نبوده، اصولاً ورود قانون‌گذار در این خصوص صحیح نبوده است چراکه صرفاً در خصوص شوراهای فرعی است که حدود اختیارات آنها توسط قانون تعیین خواهد شد» (مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان، ۱۳۹۴: ۷)

در حقیقت مفهوم ایراد مذکور این است که در صورت تشکیل ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، نمایندگان مجلس نمی‌توانند در خصوص آن قانون‌گذاری و از طریق قانون عادی مصوب مجلس، سازوکار تأیید یا اجرای مصوبات این ستاد را تعیین کنند. به بیان روشن‌تر، بر اساس نظر مجمع حقوقی شورای نگهبان که از سوی شورای نگهبان نیز تأیید شده است، مصوبات شورای عالی امنیت ملی

در مرتبه‌ای فراتر از قانون عادی قرار دارند و از طریق مجلس شورای اسلامی قابل جرح و تعدیل نیستند.

پس از اعلام ایراد ذکرشده، مجلس شورای اسلامی ماده ۲۵ الحاقی را با جایگزین کردن عبارت «شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی» به جای «ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم» اصلاح کرد تا بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی بتواند در خصوص آن قانون گذاری کند.

۲- صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی و قوانین عادی

سازمان صداوسیما از جایگاه انحصاری در عرصه رسانه‌های عمومی برخوردار است و نقش تعیین کننده‌ای در تداوم رابطه بین حاکمیت و مردم ایفا می‌کند. (بهنیا، محمدعلی پور؛ ۱۳۸۵، ۱۲۲) در این بخش به بررسی جایگاه این نهاد در قانون اساسی و قوانین عادی می‌پردازیم.

۲-۱- صداوسیما در قانون اساسی

سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران سازمانی رسانه‌ای است که تنها متولی قانونی پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در جمهوری اسلامی ایران است. اصل ۷۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به سازمان صداوسیما اختصاص یافته است که در ذیل به شرح این اصل می‌پردازیم.

الف) صداوسیما جمهوری اسلامی ایران قبل از بازنگری قانون اساسی

اغلب کشورها دارای شبکه‌های رادیو و تلویزیون ملی هستند که بر اساس قوانین مربوط فعالیت می‌کنند. این قوانین با فراهم کردن بستر حقوقی مناسب امکان فعالیت آزادانه

این شبکه‌ها را فراهم و نظارت مؤثر بر آن‌ها را میسر می‌سازند. در نظام‌های حقوقی مختلف، سازوکارهای متفاوتی برای نظارت بر شبکه‌های رادیو و تلویزیونی اندیشیده شده است تا رعایت اصول یادشده کنترل شود اما در هیچ‌یک از آن‌ها، مقام ناظر از چنان جایگاه رفیعی برخوردار نیست که در قانون اساسی جایگاهی را به خود اختصاص داده باشد. در این میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با ذکر مقام ناظر و ساختار آن در اصل ۱۷۵ استثنای مهمی محسوب می‌شود.

سازمان صداوسیما، از جایگاه انحصاری در عرصه رسانه‌های عمومی برخوردار است و بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رادیو و تلویزیون دولتی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم رابطه بین حاکمیت و مردم ایفا می‌کند. (هاشمی، ۱۳۷۹، ۶۲۰) این موقعیت ویژه موجب شده است در اصل ۱۷۵ قانون اساسی مقرر شود «در صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» همچنین «نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است» و «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت» اما «خطمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند» بدین ترتیب سازمان صداوسیما از یک‌سو با حاکمیت و از سوی دیگر با مردم در پیوند است در حالی که در صدر اهداف آن آزادی بیان و نشر افکار قرار دارد. از آنجاکه آزادی جلوه و بروز مردمی دارد نظارت جمعی بر این سازمان بر عهده شورایی نهاده شده است که از نمایندگان قوای مقننه، مجریه (با انتخاب مستقیم مردم) و قضاییه تشکیل می‌شود.

در هر ساختار نظارتی باید مجموعه‌ای از قوانین و مقررات وجود داشته باشد که در آن شیوه‌های نظارت، تحقیق، گزارش دهی و رسیدگی بر عملکرد فعالیت موضوع نظارت با توجه به برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین‌شده، حدود اختیارات و مسئولیت‌های دست‌اندرکاران و جایگاه نظارت در کل نظام مشخص و معین شده باشد (احمدی، ۱۳۷۶، ۳۳). از این‌رو به دنبال اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ که به تمرکز

در اداره سازمان صداوسیما و تأسیس شورای نظارت بر آن انجامید، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر اساس نص صریح اصل ۱۷۵ و لزوم وضع قوانین مربوط به نظارت بر سازمان، طرحی را تحت عنوان «طرح قانونی نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت» تهیه و در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۹ تقدیم مجلس کردند (طرح قانونی نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت، ۱۳۶۸).

در طرح یادشده، نوعی ضمانت اجرا برای بی‌توجهی رئیس سازمان صداوسیما به تذکرات و نظرات اصلاحی شورای نظارت تعبیه شده بود که مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفت. در نهایت، مجلس شورای اسلامی با تصویب طرح در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱ موضوع را برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع کرد. مجمع نیز در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ «قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت» را به تصویب رساند که شباهت بسیاری با طرح مجلس دارد و با پیش‌بینی نظارت کلی و عام بر تمامی امور سازمان، به جای ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در طرح مجلس، عبارت کلی‌تر «گزارش منظم و مستمر از جریان امور به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران» در آن درج شده است.

اجرای قانون یادشده در مقاطع مختلف با دشواری‌هایی مواجه شده است. مهم‌ترین دشواری از این مسئله ناشی می‌شود که قانون نظارت تنها یکی از قوانینی است که برای کارآمدی سازمان و انجام وظایف قانونی آن ضروری است. اعمال نظارت مؤثر باید بر اساس قانون اداره سازمان میسر شود در حالی که بخش‌هایی از قانون اداره سازمان با تغییر قانون اساسی در موارد مغایر منسوخ و در سایر موارد غیر مغایر به قوت خود باقی و معتبر مانده است و این موارد منسوخ و معتبر خود محل بحث هستند. سازمان صداوسیما ساختار تشکیلاتی بسیار انعطاف‌پذیری دارد و قوانین حاکم بر آن حتی از بعد نظارتی ناقص هستند.

بدین ترتیب زمانی که موضوع نظارت تحت حاکمیت قوانین مجزا قرار ندارد نظارت بر آن نیز نمی‌تواند به‌طور مؤثری اعمال شود.

ب) صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران پس از بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸

با تغییر اصل ۱۷۵ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رئیس سازمان اداره آن را به جای نمایندگان قوای سه‌گانه بر عهده گرفت. در بررسی علل ایجاد تمرکز در مدیریت سازمان، اشاره به رخداد‌های سیاسی و جنگ عراق علیه ایران که تحولات خاصی را در شیوه اعمال مدیریت کشور به وجود آورد. صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از جمله نهادهایی به شمار آورد که عملاً دستخوش این تغییر و تحولات قرار گرفت. حساسیت زمان جنگ اقتضا می‌کرد که دستگاه تبلیغاتی کشور با سیاست‌های نظامی کشور هماهنگ باشد. در همین راستا، سازمان صداوسیما تحت نظارت امام خمینی (ره) در مقام فرماندهی کل قوا قرار داشت تا جایی که مدیر سازمان که به دلیل اختلاف با شورای سرپرستی استعفا نمود، مجدداً با حکم ایشان در همان سمت ابقا شد. بدین ترتیب، سازمان مذکور عملاً تحت ریاست مقام رهبری قرار گرفت و شورای سرپرستی، قسمت مهمی از اختیار خود را از دست داد.

اهمیت صداوسیما و نقش تبلیغاتی تعیین‌کننده آن در زمان جنگ، سازمان را به شکل یک‌نهاد سیاسی مؤثر درآورد. پس از تحولات زمان جنگ، موضوع «تمرکز در مدیریت صداوسیما به صورتی که قوای سه‌گانه در آن نظارت داشته باشد» (به نقل از نامه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸ در مورد تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی) در دستور کار شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ قرار گرفت. گرچه رهبر به دلیل اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی بر مقامات منصوب از جانب خویش نظارت دارد، برای نظارت مضاعف بر سازمان، نهاد جدیدی به نام «شورای نظارت» تأسیس و مقرر شد که خط‌مشی و اختیارات و وظایف تخصصی سازمان به‌موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی تعیین شود.

با مطالعه قوانین موجود و سوابق قانون‌گذاری در خصوص نحوه نظارت بر سازمان صداوسیما نشان‌دهنده قصد قانون‌گذار برای اعمال نظارت کلی و عام بر تمام امور سازمان است که بر اساس قوانین مربوط باید انجام شود.

در زمان تجدیدنظر در اصل ۱۷۵ قانون اساسی، دغدغه اصلی اعضای وقت شورای بازنگری قانون اساسی، وحدت یا تعدد مراجع نظارت بوده است. در همین راستا برخلاف اصل ۱۷۵ سابق که سیاست‌گذاری یا خطمشی‌گذاری سازمان صداوسیما، نصب و عزل رئیس سازمان صداوسیما و بالاخره نظارت بر سازمان مذکور را به شورای سرپرستی واگذار کرده بود، در اصل ۱۷۵ پس از تجدیدنظر نصب و عزل رئیس سازمان صداوسیما به مقام معظم رهبری، نظارت بر سازمان به شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی واگذار شد. تعیین خطمشی و ترتیب اداره سازمان و چگونگی نظارت بر آن به عهده مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

با اندکی تأمل در صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی به‌ویژه در جلسات پانزدهم تا بیست و دوم، به‌خوبی قابل‌درک است که هدف از نظارت مضاعف، نظارت بر امور جزئی مربوط به وظایف و اختیارات خاص و تخصصی سازمان نیست بلکه تضمین مصالح نظام و پرهیز از گرایش سازمان به خروج از صلاحیت‌ها و اهداف مصرح در اصل ۱۷۵ قانون اساسی مدنظر اعضای شورای بازنگری بوده است. این نظارت، صرفاً بر عملکرد کلی سازمان از حیث مطابقت با آرمان‌ها و چارچوب نظام سیاسی و قانون اساسی است لذا نظارت بر امور جزئی مربوط به اجرای وظایف و اختیارات سازمان از طریق قانون مصوب تعیین خواهد شد. لازم به ذکر است که در اصل ۱۷۵ قانون اساسی بین نصب و عزل رئیس سازمان از سوی مقام رهبری و نظارت بر سازمان تفکیک وجود دارد. از آنجاکه تعیین شیوه نظارت بر عهده مجلس است، مجلس حق دارد شیوه‌های نظارتی را تعیین کند.

پ) مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی

محمد امامی کاشانی در جلسه شورای بازنگری می گوید: برای اینکه تمرکز در مدیریت صداوسیما این مسئله شده و حضرت امام دام‌ظله این کار را به شورای بازنگری ارجاع داده‌اند که بررسی بکنند این است که مجلس شورای اسلامی با توجه به اصل ۱۷۵ قانون اساسی قانونی به تصویب رسانده که طبق این قانون در صداوسیما دو خط موازی یکدیگر حرکت می‌کنند و اگر هرکدام از این‌ها بخواهند دقیقاً از اختیارات قانونی خودشان استفاده کنند به همان لوژ مسئولیت‌ها و اصطکاک منجر می‌شود.

در قانون عادی، سرپرستی تعیین شده و شورای سرپرستی وظایفی و اختیاراتی دارد و مدیرعامل هم اختیاراتی دارد و این‌ها باهم اصطکاک پیدا می‌کنند و معلوم نمی‌شود که بالاخره یقه چه کسی را باید گرفت و گفت مسئول کیست؟ سرش این است که در اصل ۱۷۵ قانون اساسی می‌گوید: «صداوسیما زیر نظر سه قوه اداره می‌شود» این جمله اداره مجلس را بر این وادار کرد که مستقیماً از سه قوه نماینده بفرستد و آن‌ها که به‌عنوان نماینده سه قوه در آنجا کار می‌کنند خوب مدیرعامل هم معین بکنند و با آن اختیاراتی که در قانون مشخص است و به مدیرعامل داده‌اند از نظر قانونی اختلالاتی در صداوسیما پیش می‌آید، گر چه دخالت‌های حضرت امام نگذاشته آن اختلالات به وجود بیاید ولی درعین حال از نظر قانونی اگر بخواهند هرکدام از این‌ها (شورای سه‌نفره و مدیرعامل) از حق قانونی‌شان استفاده بکنند این اصطکاک وجود دارد.

خوب حالا برای اینکه این مسئولیت متمرکز بشود چه راه‌هایی پیشنهاد می‌شود؟ راه‌هایی که مطرح شده و ممکن است که باشد مجموعاً ۷ پیشنهاد می‌تواند باشد؟ اولاً من یک نکته‌ای را عرض بکنم چون این را زیاد می‌پرسند و صحبت می‌شود که همین قانون اساسی که می‌گوید: زیر نظر سه قوه اداره می‌شود، چه مانعی دارد که این سه قوه بیاید این مدیرعامل را تعیین بکنند؟ اگر سه قوه مدیرعامل را تعیین بکنند، قانون اساسی به همین وضعش باقی می‌ماند و اشکال در قانون عادی است یعنی ما اگر اصل ۱۷۵ را به همین صورت باقی بگذاریم که زیر نظر سه قوه اداره بشود و بعد هم بگوییم که سه قوه یک نفر را تعیین بکنند که او همه کارها را انجام بدهد که تمام قدرت دست یک نفر

باشد و یک نفر مسئول و پاسخگو باشد آن وقت این اشکال در قانون عادی خواهد بود این موضوع در کمیسیون مطرح شد که چه اشکالی دارد که ما به همین اصل عمل بکنیم .

نکته‌ای که ما از این مطلب منصرف شدیم و به این نکته‌ای که کمیسیون تصویب کرده، رسیدیم این بود که اگر بنا بشود سه قوه بخواهند یک نفر را تعیین بکنند در عمل با مشکلات زیادی روبرو می‌شود خوب قوه مجریه یک نفر را می‌تواند تعیین بکند مقننه (مجلس) هم یک نفر را تعیین می‌کند قوه قضائیه هم یک نفر را تعیین می‌کند به همین صورتی که بوده ولی آیا این معنا از نظر عمل که یک نفر را قوه مجریه تعیین کند بعد بگوید آن یک نفر را به مجلس بدهیم و ببینیم مجلس قبول می‌کند یا نه؟ اکثریت هم او را قبول بکند، قوه قضائیه هم او را قبول بکند، اگر بخواهد سه تا قوه یک نفر را تعیین بکنند در عمل ما به بن‌بست و به مشکل می‌رسیم.

این نکته‌ای بود که ما را از سه قوه به سران سه قوه سوق داد. گفتیم سران سه قوه باشد گرچه آنجا هم گاهی در تفاهم ممکن است با اشکال روبرو بشود ولی با توضیحاتی که الان می‌دهم چاره‌ای نیست که صداوسیما به هر سه قوه مربوط باشد. ما راه آسان و اسهلش را اگر بخواهیم طی بکنیم باید بگوییم که سه قوه یک نفر را تعیین بکند و پاسخگو هم آن یک نفر باشد. خوب طرح‌ها و پیشنهادهای دیگری که ممکن است به مدیریت واحد در صداوسیما منجر بشود به چه صورت است؟ آن ۶ پیشنهاد است:

پیشنهاد اول این است که مدیرعامل را رهبر تعیین بکند .

پیشنهاد دوم شورای تشخیص مصلحت تعیین بکند .

پیشنهاد سوم وزارت ارشاد تعیین بکند .

پیشنهاد چهارم اصلاً وزارتخانه باشد .

پیشنهاد پنجم زیر نظر رئیس‌جمهور باشد .

پیشنهاد ششم همین وضعی که وجود دارد .

پیشنهاد هفتم هم مصوب کمیسیون است .

اشکالاتی که ما در این ۶ مورد دیدیم و به این هفتمی رسیدیم. یک مورد از این ۶ مورد، همین است که عرض کردم اگر سه قوه یک مدیریت واحدی را تعیین نکنند سه قوه معمولاً در عمل با مشکل روبرو می‌شود به همان بیانی که عرض کردم. البته در عمل اگر با مشکل روبرو نشود این هم چیز خوبی است ولی ما دیدیم که واقعاً یک نفر را مجلس بگوید من قبول دارم، قوه قضائیه بگوید من قبول دارم، دولت بگوید و رئیس‌جمهور بگوید قبول دارم این کار را معطل می‌کند به نظر ما این رسید لذا این پیشنهاد رد شد .

زیر نظر رهبر بودن هم رد شد به علت اینکه اگر زیر نظر رهبر باشد و رهبر مدیرعامل را تعیین نکند از سه قوه بیرون می‌رود و ممکن است خیلی به حرف سه قوه گوش ندهد.

از طرفی هم حضرت امام هم فرمودند نظارت سه قوه و این‌ها از طرفی هم صحبت بر این بود که بالاخره صداوسیما جای حساسی است آن وقت هر چیزی که در صداوسیما پیش بیاید به حساب رهبر گذاشته می‌شود. ما این فکر را هم کردیم یعنی گفتیم الان هم گاهی یک مسئولی در یکجایی، یک کاری که انجام می‌دهد بعد می‌گویند چرا فلان کار انجام شد؟ می‌گوییم خوب فلانی انجام داده می‌گویند خوب در رأس این نظام که امام است. می‌گوییم بلی، درست است که در رأس نظام امام است ولی معنایش این نیست که فلان کار را که فلان کس انجام می‌دهد، به امام ارتباط داشته باشد یعنی چنین نیست که بعضی خیلی سریع اشکال می‌کنند و ما دیدیم این درست نیست که ما این را زیر نظر رهبر ببریم و بگوییم که رهبر مدیرعامل را تعیین نکند اشکالات متعددی برایش دیدیم این است که از آن منصرف شدیم. زیر نظر مجمع تشخیص مصلحت هم فکر کردیم که جالب نیست به این علت که مجمع تشخیص مصلحت یک چیز مستمری نیست مجمع تشخیص مصلحت یک چیزی است که گاهی حوادث و مسائلی که برای نظام پیش می‌آید این اظهار نظر می‌کند گاهی ممکن است که در ۶ ماه یکبار تشکیل بشود، در دو ماه یکبار تشکیل بشود. این یک جای مستمر و همواره به کاری نیاز دارد که به آن ارتباط داشته باشد این بود که مجمع تشخیص مصلحت را هم در این قضیه متناسب ندیدیم.

زیر نظر وزارت ارشاد را هم متناسب ندیدیم به این علت که خود صداوسیما از نظر گسترش و وسعت به اندازه یک وزارتخانه است، آن وقت ما اگر زیر نظر وزارت ارشاد قرار بدهیم به اصطلاح صداوسیما را محدود کرده ایم علاوه بر این درست در متن قوه مجریه قرارش داده ایم و ما بحثمان این است که صداوسیما در یک قوه متمرکز نشود بلکه به تمام قوا ارتباط داشته باشد و به یکجا مربوط نباشد، کفه اش در یکجا سنگین تر نسبت به قوه دیگر نباشد فرضاً اگر به یک قوه ای مربوط شد بیاید کارهای آن قوه را توجیه کند کارهای آن قوه را سروصورت بدهد ولی کارهای قوه دیگر را زیر سؤال ببرد، این خطر وجود دارد که صداوسیما در دست یک قدرت باشد این بود که زیر نظر یک وزارتخانه را صلاح ندیدیم و خود وزارتخانه را هم صلاح ندیدیم چون دیدیم خود وزارتخانه هم باشد باز در متن قوه مجریه قرار می گیرد ولو در خود وزارتخانه، مجلس دخالت دارد و قوه مقننه دخالت دارد ولی در عین حال باز هم از اینکه متمایل به یک سو بشود هست یعنی در متن این سبک، این تمایل وجود دارد.

اگر زیر نظر رئیس جمهور هم باشد باز با همین اشکال روبرو است که یک سو می شود. به جهت اشکالات وضع موجود هم رسیدیم به مصوب کمیسیون و مصوب کمیسیون این است که سران سه قوه یک نفر را معین بکنند که هر جایش اشکالی به وجود آمد ما بتوانیم یقه یک نفر را بگیریم و بگوییم این اشکال مربوط به شما است و شما باید حل بکنید؛ یعنی در تجارب به دست آمده طی ده سال گذشته از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیتها نباید لوٹ بشود و هر مسئولیتی باید پاسخگو داشته باشد. همان طور که در قوه مجریه آن بحث را کردیم در همه جای این نظام این مسئله مطرح است، در هر چیزی مردم باید یکجایی را داشته باشد که اگر اشکالی بود به آنجا بگویند که به این اشکال چرا شما پاسخ نمی گوئید و چرا شما جلو آن را نمی گیرید او نتواند بگوید که فلانی می کند و همین طور او هم بگوید فلانی این کار را انجام می دهد.

این بود که به اینجا رسیدیم که سران سه قوه با حکم رئیس جمهور مدیرعامل را عزل و نصب بکنند، اما از اینکه باید سه قوه در متن کار باشد و نظارت بکنند این هم تردیدی نیست برای اینکه باید صداوسیما به اصل نظام ارتباط داشته باشد، به همه کشور مربوط

باشد نه اینکه در یکجا و به یک قوه متمرکز بشود. با این بیان پس ما باید این سه قوه را ناظر بر صداوسیما قرار بدهیم همان‌طور که حضرت امام دام‌ظله به همین نظارت در دستورالعملشان اشاره فرموده بودند و لذا ما این فکر را کردیم و گفتیم هم سه قوه و هم رهبر نظارت داشته باشند، یک شورای هفت‌نفری در نظر گرفتیم از سوی رهبر یک نفر و از هر قوه دو نفر (نه از سران سه قوه، از هر قوه‌ای) این‌ها شورای ۷ نفری تشکیل بدهند در صداوسیما و بر خط‌مشی صداوسیما و کار صداوسیما نظارت بکنند. البته نظارت یک نظارت قوی است، یک نظارت کاملی است. بنده در کمیسیون این مسئله را مطرح کردم که ما حالا نظارت را نظارت به اصطلاح استطلاعی بگوییم یا استصوابی بگوییم حالا آنجا که خیلی به جایی نرسید ولو یک‌خرده بحث شد ولی این مقدار مسلم از کمیسیون بود که باید نظارت یک نظارت قوی باشد گرچه مدیریت مدیریتی است واحد و نظارت حق دخالت در مدیریت ندارد ولی نظارت هم یک نظارت کاملی باید باشد که تمام امور را زیر نظر بگیرد و سران سه قوه آئین‌نامه‌ای را هم که تدوین می‌شود تصویب بکنند. این فشرده‌ای بود از آنچه در کمیسیون گذشت. (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

ت) نظریات شورای نگهبان

پیرو دو سؤال مطرح‌شده در شورای نگهبان اعضای این نهاد در مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ نظریه تفسیری خود را به شرح ذیل اعلام نمودند:

الف- مطابق ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی خطی مشی و ترتیب اداره نظارت بر سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را قانون معین می‌کند آیا عبارت «در صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد»، نیز که در صدر این عصر ذکر شده است می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ اعضای شورای نگهبان در نظریه تفسیری خود بیان نمودند «مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صداوسیما زیر نظر

مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد؛ بنابراین سیاست‌گذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد». (مجموعه نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۹، ۲۱۴)

ب- آیا مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی وجود دارد یا خیر؟ نظریه تفسیری شورای نگهبان در خصوص این سؤال عبارت است از «مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و ...) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است». (همان، ۲۱۵)

۲-۲- صداوسیما در قوانین عادی

باگذشت زمان بعد از تصویب اصل ۱۷۵ قانون اساسی قوانین متعددی در خصوص صداوسیما جمهوری اسلامی ایران اجرایی شده است که در این بخش به بررسی برخی از این قوانین موضوعه می‌پردازیم.

الف) قانون تشکیل سازمان رادیو و تلویزیون ملی

در تاریخ ششم تیرماه سال ۱۳۴۶ مجلس شورای ملی لایحه دولت درباره تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران را - که قبلاً به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و مجلس سنا در آن اصلاحاتی کرده بود - مجدداً مورد شور قرار داد و به و شرح زیر به تصویب نهایی رساند: ماده واحده: برای تهیه و اجرای برنامه‌ها و بهره‌برداری و اداره سایر امور

تلویزیون ملی ایران در کشور سازمانی به نام سازمان تلویزیون ملی ایران وابسته به وزارت اطلاعات تشکیل می‌شود. سازمان تلویزیون ملی ایران دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی اداره می‌شود و مشمول مقررات قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه‌های معاملات دولتی نبوده و تابع اساسنامه و آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که طبق بند ۴ این قانون وضع می‌شود... در سال ۱۳۴۷ نخستین مراکز تولید و پخش رادیو و تلویزیون افتتاح می‌شوند و با توسعه شبکه مخابراتی و ماکروویو از سال ۱۳۴۸ تلویزیون ملی ایران توانست به تدریج مراکز تولید رادیو تلویزیونی را با ایستگاه‌های مختلف در سطح کشور مرتبط کند. (سامی، انتظاری ملکی؛ ۱۳۹۱)

ب) قانون اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مستقل و مستقیماً زیر نظر قوای سه‌گانه؛ «قضاییه، مقننه، مجریه» و بدین منظور هر یک از قوا یک نماینده تعیین و به صورت شورای سرپرستی سازمان را اداره خواهند کرد. اولین ترتیبی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اداره صداوسیما در نظر گرفته شده بود، اداره هیئت‌امنایی بود؛ اما بازهم صداوسیما دولتی محسوب می‌شد. (تبیان)

به موجب قانون اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، شورای سرپرستی (متشکل از نمایندگان قوای سه‌گانه) اداره سازمان را بر عهده داشت. مهم‌ترین وظایف این شورا تهیه تنظیم اساسنامه، تنظیم خط‌مشی کلی، تعیین مدیرعامل و نظارت بر کلیه امور سازمان بود. (بهنیا، محمدعلی پور، ۱۳۸۵، ۱۲۷)

پ) قانون خطمشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

این قانون در سال ۱۳۶۱ تصویب شد و زیربنا و تعیین‌کننده اصول سازمان صداوسیما می‌باشد. تعیین اصول اولیه و زیر بنایی سازمان صداوسیما. سه ماده اول این قانون که به نحوی می‌توان آن را سه اولویت اول سازمان صداوسیما دانست عبارت‌اند از: حاکمیت اسلام بر همه برنامه‌ها و پرهیز از پخش برنامه‌هایی که مخالف معیارهای اسلامی باشد، حاکمیت روح انقلاب و قانون اساسی بر کلیه برنامه‌های که در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی متبلور است. تحقق بخشیدن به بینش مقام معظم رهبری به‌عنوان ولی‌فقیه در تمامی ابعاد آن در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در جهت اجرای اصول یادشده. (تبیان)

ت) اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

در این اساسنامه که در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ به تصویب رسید، ارکان سازمان و تشکیلات آن بر محوریت شورای سرپرستی بنا نهاده شده است. بر این اساس، تهیه و تنظیم و اصلاح خطمشی کلی و اساسنامه سازمان و ارائه آن برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی، انتخاب مدیرعامل سازمان، نیز تصویب عزل و نصب معاونین سازمان و مدیران مراکز شهرستان‌ها و دفاتر خارج از کشور به پیشنهاد مدیرعامل، تهیه و تصویب نمودار تشکیلاتی واحدها، معاونت‌ها و مدیریت‌های مختلف سازمان از جمله اختیارات و وظایف شورای سرپرستی محسوب شد. (بهنیا، محمدعلی پور، ۱۳۸۵، ۱۲۷) در این اساسنامه، صداوسیما، سازمانی است مستقل و زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه کشور، همچنین تأکید شده بود که تأسیس فرستنده پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه کشور در انحصار این سازمان بوده و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به تأسیس یا بهره‌برداری از چنین رسانه‌هایی کنند از ادامه کار آنان جلوگیری به عمل آمده تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. (تبیان)

ث) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مشارکت و استفاده دیگران از امکانات صداوسیما برای پخش برنامه تلویزیونی

در زمان تصویب این مصوبه، بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس ایستگاه تلویزیون توسط بخش خصوصی مجدداً مطرح شد و پس از بحث مقرر شد با توجه به لزوم ادامه محدودیت‌ها در پخش برنامه‌های تلویزیون بهتر است تنوعی در برنامه‌ها ایجاد کرد و حتی قسمتی از وقت تلویزیون به بخش‌های دیگر (مثل دانشگاه پیام نور، تربیت‌بدنی و غیره) اجاره داد و لازم است صداوسیمای جمهوری اسلامی راه‌های مشارکت دادن دیگران را بررسی کند و امکانات خود را در اختیار دیگران هم قرار دهد تا بتوانند طبق یک برنامه ویژه و با هزینه‌ای که می‌پردازند از امکانات صداوسیما استفاده کنند.

ج) قانون اجرایی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

قانونی در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسید که با رعایت اختصار به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی مشهور شده است. این قانون، زمینه حضور بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد را فراهم می‌کند و دایره فعالیت دولت در اقتصاد را تنگ‌تر می‌کند. با این وجود، در این قانون نیز تأکید شده است که رادیو و تلویزیون در انحصار دولت است و بخش خصوصی راهی به آن ندارد.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، مشاهده گردید که نهادهای شورای عالی امنیت ملی و صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران از نهادهای فرا قوه‌ای هستند که حسب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده‌اند. بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، اتخاذ تصمیمات الزام‌آور در خصوص مسائل کلان دفاعی و امنیتی کشور به نهاد شورای عالی امنیت ملی سپرده شده است که تصمیمات آن پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجرا است. در حوزه دکترین حقوقی به دلایلی مانند محرمانه بودن مصوبات مربوط به شورای عالی امنیت ملی و منتشر نشدن رسمی آن‌ها به شکل مستدل و مستند به دلایل حقوقی تبیین و بررسی نشده است. معدود اظهارنظرهای مطرح‌شده در این خصوص نیز اغلب بار رویکردی سیاسی همراه بوده و در برخی موارد نیز تنها به بررسی ساختار و تشکیلات این شورای مهم و تأثیرگذار محدود شده‌اند.

مرجع تأسیس نهاد صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران نیز همانند شورای عالی امنیت ملی قانون اساسی است. اصل ۱۷۵ قانون اساسی به ساختار و جایگاه این نهاد پرداخته است تا از طریق آن آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور تأمین گردد. همچنین نصب و عزل رئیس این سازمان با مقام معظم رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان روسای سه قوه بر این سازمان نظارت دارند اما خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند. از بدو تشکیل این نهاد تاکنون قوانین متعددی جهت بیان ترتیب اداره و نظارت بر این سازمان تصویب و اجرایی شده است. از جمله این قوانین می‌توان به قانون تشکیل سازمان رادیو و تلویزیون ملی، قانون اداره صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران و ... اشاره نمود که از مجموع این قوانین این‌چنین می‌توان برداشت نمود که این سازمان، نهادی دولتی است و تقریباً غیرقابل انتقال به بخش خصوصی می‌باشد و هدف اصلی این سازمان ایجاد محیطی مساعد برای تزکیه و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان است.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، مرتضی (۱۳۷۶)، ساختار نظارتی در تشکیلات جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور
- ۲- بهنیا، مسیح - محمدعلی پور، فریده (۱۳۸۵)، تأملی در ماهیت حدود وظایف و اختیارات شورای نظارت بر سازمان صداوسیما، مجله مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، شماره ۵۱
- ۳- تبیان نت (۱۳۹۰)، نیم‌قرن اداره صداوسیما در آئینه قوانین، بخش حقوق تبیان
- ۴- سامی، بهرام - انتظاری ملکی، مجید (۱۳۹۱)، تشکیل تلویزیون در ایران - قوانین و مقررات (کار تحقیقی)، وبلاگ دکتر انتظاری ملکی
- ۵- مجموع نظریات شورای نگهبان (۱۳۸۹)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان
- ۶- مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی
- ۷- ورعی، جواد (۱۳۸۵)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی به روایت قانون‌گذار، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری
- ۸- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، نشر دادگستر، چاپ چهارم

قوانین

- ۱- اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
- ۲- طرح قانونی نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت
- ۳- قانون اداره صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
- ۴- قانون اجرایی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

۵- قانون اساسی

۶- قانون تشکیل سازمان رادیو و تلویزیون ملی

۷- قانون خطی مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

۸- مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مشارکت و استفاده دیگران از امکانات صداوسیما برای پخش برنامه‌های تلویزیونی

